



غالباً ادعا می‌شود بزرگ‌ترین موفقیت رضاخان تشکیل یک ارتش «ملی» و متحد ساختن ایران با استفاده از آن بود. هارت در گزارشی که در سال ۱۹۳۰ ارسال کرده است، نظرات رایج درباره دستاوردهای ارتش را اینگونه توصیف می‌کند: «از نظر بسیاری از ناظران ذی‌صلاح، اصلی‌ترین موفقیت رژیم کنونی تشکیل یک ارتش نسبتاً سازمان‌یافته و منظم به استعداد ۴۰ هزار نیرو و استفاده مؤثر از آن در برقراری نظم و فرونشاندن هرج و مرج داخلی بوده است. بدون چنین ارتشی، عشایر ایران هرگز مطیع [دولت مرکزی] نمی‌شدند. مطیع ساختن عشایر، مقدمه‌ای ضروری جهت اجرای سیاست کنونی دولت بود؛ یعنی ساختن مدرسه برای عشایری که تقریباً صد در صدشان بی‌سواد بودند و اسکان برخی از آنها در زمین‌های زراعی موجود در قسمت‌های مسکونی فلات ایران، شاید راست باشد که رضا شاه این ارتش را به وجود آورد ولی مسلماً با حمایت همین ارتش بود که به پادشاهی رسید و با سیاست‌های تیمورتاش، وزیر دربار توانایش است که از ارتش در حکم تنها وسیله کنترل کشور و برانشن نخستین گام‌های مدرن‌سازی، استفاده کرده است. گاه انتقاد می‌کنند که بخش اعظمی از بودجه مملکت – بیشتر از نیمی از آن– را به ارتش اختصاص می‌دهد». هارت در توصیف دلایلی که انگلیسی‌ها برای توجیه سیاست‌های‌شان در ایران و حمایت از رضا شاه می‌آوردند، از قول ئی. ویلکینسن، «بانکدار برجسته خارجی» در تهران و رئیس بانک شاهنشاهی ایران که متعلق به بریتانیا بود، می‌نویسد: «ارتش خرج خودش را درمی‌آورد؛ از صدقه سر همین ارتش است که می‌توانند مالیات‌های کشور را به طور منظم جمع کنند – که البته اندک و ناچیز است – اما افزایش درآمدهای مالیاتی خیلی بیشتر از هزینه‌های نگهداری ارتش است»؛ از سخنرانی دکتر سمویل‌ام. جردن ، رئیس کالج آمریکایی تهران، در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان

## آیا جدایی بودجه از نفت ممکن است؟

**دکتر مجید شاکاری**؛ یکی از نکات مهم سخنرانی آغاز سال رهبر انقلاب اسلامی، تاکید مجدد ایشان بر لزوم پی‌نیزی کردن اقتصاد ایران از درآمد نفت بوده؛ یا تأکید بر آنکه نیاز نداشتن به فروش نفت، لزوماً به معنای قطع فروش نیست اما امکان خروج اقتصاد ایران از انفعال ناشی از نیاز به حداقلی از فروش نفت را فراهم می‌آورد. چه چیز ایران را «ناچار» به فروش حداقل حجم مشخصی از نفت طی یک سال می‌کند؟ سهم مهمی از ردیف‌های درآمدی بودجه دولت مربوط به درآمد ناشی از فروش نفت و گاز است. در واقع بیش از ۹۵ هزار میلیارد تومان در بودجه ۹۷ از محل فروش نفت، گاز و میعانات به دست می‌آید. در مقابل، هزینه‌های جاری دولت بیش از ۲۹۰ هزار میلیارد تومان است که درآمد نفتی، سهم بسیار مهمی در تأمین آن دارد. از خریدار نفت خواسته می‌شود وجه نفت را به حساب معرفی‌شده بانک مرکزی واریز کند؛ بعد بانک مرکزی معادل ریالی وجه واریز شده را بر اساس نرخ دلار مشخص‌شده در بودجه به دولت می‌دهد و دولت هم آن را صرف هزینه‌های جاری خود می‌کند. اگر به هر دلیل جریان دریافت پول نفت قطع شود، دولت در بخش‌های اصلی هزینه جاری خود دچار کسری بسیار شدیدی می‌شود. همین نیاز منظم ماهانه به درآمد نفت، ایران را در وضعیت یک «فروشنده ناچار» قرار می‌دهد و امکان داشتن یک استراتژی بلندمدت متناسب با نیازهای امنیتی و اقتصادی را از کشور می‌گیرد چه به لحاظ حفظ منابع نفتی برای آینده و چه از نظر توان چانه‌زنی و اجماع‌سازی با سایر تولیدکنندگان. این فرآیند با نقایض بزرگ‌تری هم دارد؛ بانک مرکزی متناسب با نیاز دولت، به ازای جریان درآمد نفت، «ریال» خلق کرده است و باید برای جلوگیری از افزایش شدید پایه پولی (پول خلق شده توسط بانک مرکزی) اقدام به فروش ارز در بازار کند. در واقع بانک مرکزی هم «ناچار» است حداقلی از ارز ناشی از فروش نفت را در بازار ارز به‌صورت حواله بفروشد تا مانع اثرات تورمی خلق ریال به ازای دلار نفتی شود. این امر باز بانک مرکزی را از داشتن یک استراتژی متناسب با نیاز اقتصاد ایران محروم می‌کند. هر روز

یک هدف تحریمی بسیار آسان است. پس وقتی

از اثر تحریم‌های مالی حرف می‌زنیم ابتدا اثر آن بر انتقال درآمد نفت مد نظر است و چون به دلایل فوق نیازمند حداقلی از انتقال درآمد نفت هستیم، در مقابل تحریم‌ها دارای نقاط ضعف جدی هستیم. همه این موارد نشان می‌دهد جدا کردن بودجه ارزی از ریالی و جدا کردن نیاز جاری دولت از درآمد نفت یک ضرورت حیاتی است. توضیح آنکه وابستگی بودجه عمرانی به ارز نفتی، بویژه اگر شامل تبدیل اجباری ارز به ریال نشود، عملات‌تبعات بسیار کمتری خواهد داشت، چرا که بودجه عمرانی در شرایط بحران به‌مراتب بیشتر قابل مدیریت است تا بودجه جاری، بویژه از جنس حقوق و دستمزد. اما آیا چنین امری شدنی است؟ چگونه می‌توان کسری بودجه

۱۹۲۹ اطلاعاتی درباره کوچ اجباری عشایر از لرستان و سایر مناطق ایران به دست داده است: «دقیقاً معلوم نیست چند نفر مجبور به کوچ شده‌اند. در مطبوعات آمده است ۱۱۰ خانوار، یا تقریباً ۶۰۰ نفر را به روستاهای قزوین کوچ داده‌اند ولی از اخبار منابع دیگر چنین برمی‌آید که تعداد رانده‌شدگان به مراتب بیشتر از چیزی است که گزارش کرده‌اند. می‌گویند وضعیت رانده‌شدگان اسفناک است.» هارت در گزارش مورخ فوریه ۱۹۳۱ خود، از هزاران مرد و زن و پیر و جوان و کودکی می‌گوید که مجبورشان کرده بودند صدها مایل راه را از لرستان و خوزستان تا نقاط دورافتاده خراسان با پای پیاده طی کنند که یادآور کوچ‌های اجباری دوران استالین در اتحاد شوروی بود. شب اول فوریه ۱۹۳۱، وقتی تقی‌زاده، وزیر مالیه، لایحه‌ای «دو فوریتی» جهت تخصیص ۵۰ هزار تومان دیگر برای عمران لرستان ارائه داد، بخشی از روایای تاریک کوچ اجباری لرها در مجلس روشن شد. او توضیح داد بودجه مزبور فقط صرف عمران این استان نخواهد شد، بلکه برای کمک به هزاران تن از افراد عشایر، البته آمار دقیق آنها در دست نیست، که به مناطق دورافتاده، عمدتاً به استان خراسان، انتقال یافته‌اند نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. تسلیم لایحه مزبور به مجلس اطلاعاتی درباره کوچ اجباری لرها که مدت‌ها در هاله‌ای از ابهام بود، به دست داد. روزنامه اطلاعات تهران از قول «یاسایی» وکیل مجلس، در این ارتباط نوشت: «لرهایی را که جابه‌جا شده‌اند سرار رعیت‌ها کرده‌اند.» او افزود: «طبق گزارش‌ها، شکایات متعددی درباره کوچ اجباری لرها، پرداخت نشدن جیره‌شان، هزینه حمل‌ونقل و هزینه‌های جنبی دیگر به دست مقامات رسیده است. خوب است، آقای وزیر توضیح بدهند مسؤول این وضع و هزینه‌های آن کیست. مایلم بدانم کدام وزارتخانه به این شکایات رسیدگی می‌کند و مرجع ذی‌صلاح برای رسیدن به داد این مردم کیست؟ لطفاًبفرمایید مالیاتی که قبلاً مجلس به این کار اختصاص داده، چگونه خرج شده است. می‌گویند این اعتبارات مصوب، آنطور که باید هزینه نمی‌شود.» روزنامه اطلاعات همچنین از قول یاسایی می‌افزاید: «مثلاًبه شتردارها که اثاثیه آنها را حمل کرده‌اند پول نمی‌دهند که باعث شده این شتردارها به تمام مقامات شکایت کرده‌اند و به آنها جواب تا حال داده نشده. می‌خواستم توضیح بدهند که سر کار این شتردارها با کیست؟ با وزارت جنگ است یا وزارت مالیه؟» تقی‌زاده در پاسخ به سوالات یاسایی گفت: «مخارج تحت نظر مأموران لشکری و کشوری می‌شود. یک عده از الوار به خراسان و عده‌ای به زرد و ساوه و خوار کوچانده شده بودند که تا چندی پیش هنوز جابه‌جا نشده بودند که حالا شده‌اند و اشخاص برای تهیه راپورت صورت مخارج ازمرد شده‌اند که همیشه صورت ریز مخارج را می‌فرستند. در بدو امر یک جیره تعیین شده بود که آن هم از مالکین گرفته شود و بعد قرار شد که خود دولت آن مخارج را بکند و اراضی تهیه شده و بذر و تخم و گاو در خراسان داده شده و وسایل راحتی آنها فراهم گردیده است و برای اعراب و الوار که به زرد و ساوه و خوار کوچانده شده‌اند طبیب فرستاده شده و شیر و خورشید سرخ هم کمک زیادی کرده به آنها لباس و پوستین داد

در سال ۱۹۳۲ که هارت آن را گزارش کرده است می‌توان شناخت بیشتری از نظرات برخی معاصران رضا شاه درباره سیاست‌های او در قبال عشایر و متحد کردن کشور پیدا کرد: «۳۰ سال پیش که به ایران آمدم، نظام ارباب/رعیتی را اوج خود بود. هر ایل و طایفه‌ای برای خودش رئیسی داشت که از دولت مر کزی حساب نمی‌برد. حالا وارد عصری جدید شده‌ایم. تحت رهبری توانای اعلیحضرت پهلوی، شاهنشاه ایران اکف زدن حضاراً هم اینک کشور دارای یک دولت مرکزی قدرتمند و موفق است. هم‌اینک ایران ملتی متحد، دولتی واحد، کشوری واحد و حاکمی واحد دارد. در نتیجه این اتحاد سیاسی – که با فداکاری شاهنشاه به دست آمده– اختلافات قدیمی از میان رفته است». هارت اشاره می‌کند که همه ناظران خارجی با جردن موافق نبودند. برای مثال، او نظرات پروفسور «رنتس در تسفلد» را– که ایران‌شناسی برجسته بود– ذکر می‌کند. «عواقبی» که هرتسفلد به آنها اشاره دارد تا سال ۱۹۷۹ یخبوی آشکار نشد: «این نظام دارد مراجع قدرت مستقر و دیرپای کشور را نابود می‌کند، بدون آنکه هیچ چیز دیگری جایگزین آنها سازد. همه جای ایران شاهد نابودی سازمان‌یافته سنت‌ها و احساسات مذهبی است که نتیجه‌اش پدید آمدن شکافی است که عواقب آن یک روز آشکار خواهد شد، زیرا متأسفانه، هر عملی ناگزیر عواقبی دارد.»

■ **کوچ و اسکان اجباری عشایر لر و عرب**
سیاست رضا شاه در ارتباط با عشایر و متحد کردن ایران، با وحشیگری و غارت اموال یک چهارم از جمعیت کشور همراه بود. ارتش رضاخان در سال‌های ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ بر عشایر آذربایجان چیره شد، زمین‌های‌شان را مصادره و مال و اموال‌شان را غارت کرد. البته، سیاست رضا شاه در قبال عشایر فقط به انقیاد آنها و غارت اموال‌شان ختم نمی‌شد. «بیوید ویلیامسن» کاردار سفارت آمریکا در سال

■ ■ ■

درباره نابودی سازمان یافته سنت‌های اقوام ایرانی در ابتدای حکومت پهلوی

# کوچ‌های استالینی در عصر رضاشاه

و بعد هم اعیانی برای آنها خریداری گردید و جابه‌جا شدند و خیلی مراقبت برای حفظ امور صحنی آنها شده و صحنه هم طبیب به اندازه کافی برای رفع مرض آنها اعزام داشته است ولی در لرستان کار خیلی مشکل‌تر از امور اینهاست برای آنکه باید آنها تخت‌قاپو شوند و هیچ مأموس به خانه‌داری نیستند و دولت سعی دارد آنها را آشنا به زندگی بکند و البته هم خواهند شد و شکایت شستردارها به بنده نرسیده بدیهی است رفع شکایت آنها می‌شود و مأمورین محلی هم مراقبت برای رفع شکایت آنها خواهند کرد.» «محیط لاریجانی» نماینده خوار و ورامین، ابراز داشت انتقال لرها به این مناطق موجب سلب آسایش و آرامش ساکنان بومی شده است. لاریجانی گفت: «خوب است این قضیه منظور نظر بوده و رفع زحمت اهالی شود.» که داور، وزیر عدلیه، بلافاصله در پاسخ گفت: «برای حفظ انتظامات مملکتی و رها اهالی لازم است این قبیل کارها بشود و البته ورامینی‌ها هم باید تحمل بکنند». لایحه در صحن علنی مجلس به رأی گذاشته شد و با رأی ۸۵ نفر از کل ۹۸ نماینده حاضر در مجلس به تصویب رسید. هیچ‌یک از نمایندگان به لایحه مزبور رأی مخالف نداد. گزارش فوق به شیوه معمول هارت خاتمه می‌یابد: «از چند ماه پیش که جابه‌جایی لرها شروع شد، هیچ اطلاعاتی درباره این موضوع از منابع دولتی در دست نبوده است. برآورد تعداد افراد عشایر نیز بر اساس گفته مسافرانی انجام شده که گروه‌های عظیمی از آنها را دیده‌اند که پای پیاده جاده لرستان – تهران را طی می‌کنند یا تا ۳۰۰ مایل در طول جاده مشهد پراکنده‌اند. برخی تعداد آنها را تا ۱۵۰۰۰ نفر و برخی دیگر حتی بیشتر برآورد کرده‌اند. البته هنوز کسی دقیقاً نمی‌داند که منظور از عمران استان لرستان چیست؟ ولی گمان می‌رود اکثر زمین‌هایی را که قبلاً در دست عشایر لر بوده به رعایای ایرانی غیر کوچ‌نشینی خواهند داد که تجربه روستاشینینی و کشاورزی دارند. همچنین شنیدهام دولت در انتقال این عشایر بین آن‌ها تفاوت قائل شده است. البته نمی‌دانم دولت ایران چطور توانسته این کار را بکند، زیرا با توجه به سطح فکر کنونی لرها، هیچ لری نمی‌تواند آینده‌ای بدون راهزنی برای خودش متصور باشد.»

■ **کوچ و اسکان اجباری اکراد**

هارت در گزارش بعدی خود ترجمه قسمتی از یک روزنامه را می‌آورد که هنوز هم خوانندش پشت آدم را از سیاست‌های بی‌رحمانه رضایی در قبال عشایر می‌لرزاند. خبرنگار ویژه حکایت جابه‌جایی خاورهای این طایفه (در حدود ۲۰۰ نفر) با گاو و گوسفندان خود از نافرجام آنها را برای رهایی از وضعیت اسفبارشان شرح می‌دهد: «سال گذشته زتل ظفرالدوله احسن مقدم[ فرمانده سابق لشکر آذربایجان، بخشی از طایفه سرشناس کران جاللی را که به شجاعت معروفند خلع سلاح کرد و آنها را در منطقه اهر ساکن ساخت. به دلایلی که هنوز روشن نیست و هیچ توضیحی درباره آن وجود ندارد، تعدادی از خاورهای این طایفه (در حدود ۲۰۰ نفر) با گاو و گوسفندان خود از آنجا فرار کردند و تا نیمه شب از کوه‌های ایولوغلی در ۲۸ کیلومتری خوی گذشتند. در آنجا به ۳ گروه تقسیم شدند. یک گروه به طرف

## تهیدیدها و فرصت‌های «بیت‌کوپن»

شخصی و در جایگاه یک واحد محاسبه به شمار می‌آوردند. بر همین اساس صاحبانظران، ۲۰ آینده کاملاً متناقض یعنی شکست نظام بیت‌کوپن یا تحقق نظام اقتصادی جهانی جدید بیت‌کوپن را پیش‌بینی کرده‌اند ولی در هر صورت آینده بیت‌کوپن وابسته به تأثیر و تأثر عوامل پیرامونی آن است اما چه بیت‌کوپن موفق، به تحقق آینده مطلوب ایجادگذاشتن شود و چه کاملاً از هم فروپاشد، در برهه کنونی تأثیرپذیری نظام جهانی از این سیستم وجود دارد. ■ **تحلیل وپرسی** اقتصاددانان درباره بقاودوام بیت‌کوپن چندان خوشبین نیستند و رشد سریع آن را نیز به‌حساب هیجان غیر عقلایی کاربران گذاشته‌اند که سراغ بیت‌کوپن آمده‌اند، زیرا وقتی بتوانیم یک واحد پولی الکترونیک خصوصی داشته باشیم، معنایش این است که می‌توانیم واحدهای پولی متعددی از این نوع را داشته باشیم همان گونه که تابه‌حال حدود ۶۳ نوع پول مجازی به بازار اقتصاد ورود کرده‌اند، به این ترتیب هیچ تضمینی وجود ندارد که دیگران همان واحد پولی را که شما استفاده می‌کنید، بپذیرند. در هر صورت مجازان بیت‌کوپن معتقدند ساختار غیرمتمرکز این واحد پولی باعث می‌شود تعقیب آن برای دولت‌ها و مراجع قانونی به‌طور تقریبی غیرممکن باشد، همچنین رفتارهای متضاد کشورهایی نظیر آمریکا، چین و آلمان به‌عنوان ۳ اقتصاد بزرگ دنیا با این پدیده به‌طور نشان می‌دهد این پول مجازی را به‌عنوان یک ارز در گردش با پشتوانه نپذیرفته‌اند. از طرف دیگر همین گسترش فناوری‌های تازه و ارتباطات جهانی مبتنی بر «شبکه» را می‌توان از مهم‌ترین ندهای «جهانی‌شدن»، دانست، به عبارت دیگر فناوری‌های ارتباطی را می‌توان قانون «فراکشمیتی» خواند و به روند رو به رشد آن خوشبین بود، زیرا تأکیدی شبکه‌های ارتباطی می‌تواند روندقاوتنگدازی‌های انحصاری در دنیای اقتصاد را مختل کند و از طریق شبکه‌های مجازی به‌هم پیوسته‌ای افراد بر تعاملات خود توافق کرده و با سرسری یاورگرکنی، عرصه‌های مختلفی از نشئون سیاسی، اقتصادی و حاکمیتی مبتنی بر قدرت‌طلبی را تضعیف کنند و تقسیم قدرت اقتصادی با از‌های بدون پشتوانه را به جای واحدهای اعتباری موجود به رسمیت ملل برسانند. با این وجود چنین به نظر می‌رسد که در آینده در عرصه اقتصاد جهانی اینچنین شرکنه‌های رونق گیرند و اعتبار قدرت‌های اقتصادی را در هم شکنند. ■ **پژوهشگر مطالعات اسلامی**

منبع: پژوهشکده بین‌المللی امام رضا(ع)

و دریافت فوری هر مبلغ از بیت‌کوپن در هر موقع از شبانه‌روز و در هر کجای جهان امکان‌پذیر است و هیچ روز تعطیل و هیچ محدودیتی در کار نیست. کارمزد بسیار پایین و بی‌تأثیری تحریم بر باز کردن حساب بیت‌کوپن از ویژگی‌های این اعتبار است. بیت‌کوپن قابلیت تبدیل شدن به سایر ارزها در فضای واقعی را هم دارد. بیت‌کوپن پول ارز مجازی است و تراکنش‌ها را با واحد پولی جدید این سیستم انجام می‌دهد. ■ **تهدیدهای پول مجازی** مشکلات فنی زیادی از جمله پیچیدگی‌های فنی این پروژه هست که راه را برای وقوع بحران‌های غیرقابل‌پیش‌بینی باز می‌کند. پیش‌بینی بیت‌کوپن نشان می‌دهد این طرح ۲ بار در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ دچار مشکل فنی و باعث کاهش فوری و شدید ارزش بیت‌کوپن شد. طبق نظر بسیاری از کارشناسان اطلاعاتی رواج استفاده از بیت‌کوپن می‌تواند کشف جرمایی مانند دزدی هویت را بسیار سخت‌تر کند، چون تراکنش‌ها توسط سرور منتشر‌کننده قابل‌ردیابی نیستند. همان گونه که ذکر شد پول مجازی ماهیت فیزیکی نداشته و روی رایانه شخصی ذخیره می‌شود، لذا این امکان وجود دارد که با دزدیده شدن کامپیوتر یا هارددیسک، بیت‌کوپن‌ها از دست برود یا توسط هکرها دزدیده شود و از این جهت امنیت پایینی دارد. فقدان مرکزیت بیت‌کوپن امکان نظارت و کنترل روی آن را بسیار دشوار می‌کند و قابلیت اطمینان این پول را برای کسانی که می‌خواهند از آن استفاده کنند بشدت کاهش می‌دهد. هرچند بیت‌کوپن تاکنون با سرعت زیادی توسعه یافته اما هیچ تضمینی وجود ندارد که از این پرسه نیز همچنان به رشد خود ادامه دهد. ■ **جایگاه سیاسی بیت‌کوپن**

پول از جمله ابزارهای اعمال کنترل بر اقتصاد کلان کشورها و بخش مهمی از زندگی انسان‌هاست، طی دهه‌های گذشته تاکنون فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌نظم با یکی خدمات بزرگی عرضه کرده است. بانکداری الکترونیکی بهترین شاهد این مدعاست. بین کشورهای جهان ۳ کشور برتر اقتصادی – آمریکا، چین و آلمان – در کنارش رد با قبول این پدیده‌اند برخی ماهیت ارز و پول بودن بیت‌کوپن را رد می‌کند و می‌گویند بیت‌کوپن یک کالای مجازی خاص است که جایگاه حقوقی معادل ارز ندارد و نمی‌تواند به‌عنوان ارز در بازار جریان یابد، زیرا توسط یک مرجع پولی منتشر نمی‌شود. در مقابل برخی دیگر بیت‌کوپن را به‌عنوان یک ابزار مالی جدید و به‌مثابه یک ارز

حجت سیدعلی حسینی\*؛ در عصر نوین جهانی،

گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، مرزهای زمان و مکان را درنوردیده و این پیشرفت‌های علمی عامل جهانی شدن تعاملات بشری در عرصه‌های مختلف از جمله معاملات اقتصادی شده و می‌توان گفت امروز تعاملات اقتصادی از روند سنتی خود با فراتر گذاشته و پول‌های فضای مجازی و بدون پشتوانه مانند شبکه‌های لایت‌کوپن و «بیت‌کوپن» در رقابت با ارزهای متعارف در بازار جهانی توجه بسیاری را به خود جلب کرده که نوشته پیش‌رو درصدد بررسی چیستی و چگونگی این مساله است. «ساتوشی ناکاموتو» که اسم ژاپنی مستعار فردی – یا فردی – است که پروتکل اولیه بیت‌کوپن را سال ۲۰۰۸ طراحی و آن را سال ۲۰۰۹ وارد شبکه کرد و خود را در برابر طراحی نرم‌افزار اصلی بیت‌کوپن مسؤول دانست اما هیچ‌گاه هویت اصلی آن مشخص نشد. ناکاموتو واحد پولی خلق کرد و آن را بیت‌کوپن نامید که ترکیبی از کلمات بیت به معنای واحد اطلاعات کامپیوتری و کوین به معنی سکه است. البته پول ایجادشده توسط او هیچ شباهتی به سکه یا اسکناس نداشت، هیچ اثری از کاغذ، مس، نقره یا طلا در ساخت این پول عجیب نبود؛ نوآوری اینترنتی‌ای که طراحان اصلی آن توانسته‌اند آن را در مدت کوتاهی از یک ایده به یک واقعیت اثرگذار بر دنیای اقتصاد تبدیل کنند.

■ **چیستی بیت‌کوپن**

درباره چیستی بیت‌کوپن تعاریف متفاوتی عرضه شده است. معمولاً به بیت‌کوپن پول دیجیتال، ارز مجازی، ارز الکترونیکی یا ارز رمزنگاری‌شده می‌گویند. بر اساس برخی گزارش‌ها نظام پرداختی بیت‌کوپن یک سامانه خصوصی است که هیچ موسسه مالی سنتی متعارفی در تراکنش‌ها وجود ندارد و این نظام کاملاً غیرمتمرکز است؛ نظام مالی‌ای که از مرزهای بانکداری سنتی فراتر رفته و بدون پشتوانه و وجود نهاد قانونگذار، جای خود را در سیستم مالی دنیا باز کرده است و همه تراکنش‌ها توسط کاربران این سیستم انجام می‌شود.

■ **علت محبوبیت بیت‌کوپن**

نحوه کار بیت‌کوپن با روش‌های سنتی متفاوت است به طوری که برای ایجاد یک حساب در سیستم بانکداری سنتی باید با یک بانک قرارداد بست و تمام تراکنش‌ها به بانک نیاز دارد به‌نحوی که هر دو سوی تراکنش در بانک نمایان است اما در شبکه بیت‌کوین هیچ‌یک از این محدودیت‌ها وجود ندارد و افراد به‌منظور ایجاد یک شبکه مالی جدید نیازی به هیچ مجوزی ندارند. پرداخت